

بحران اقتصادی غزنویان و تأثیر آن بر بی‌ثباتی نظم سیاسی

جمیله یوسفی^۱ / اسماعیل حسن‌زاده^۲

چکیده

غزنویان (۳۶۰ - ۴۳۱ ق / ۹۷۱ - ۱۰۴۰ م) از حکومت‌های دورهٔ میانه با خاستگاه غلامی بودند که پس از برانداختن سامانیان در شرق ایران به قدرت رسیدند. مالیات و خراج، از منابع متعارف و سنتی اقتصاد این حکومت بود و از آنجایی که اقطاع‌داری به علت داشتن عوارض سیاسی هیچ‌گاه مورد توجه سلاطین غزنوی قرار نگرفت، دستیابی به غنایم هند به منبع درآمد همیشگی این سلسله بدل شد؛ که گرچه با تأمین مخارج جاری حکومت، ارتش بزرگ و حرفه‌ای آنها را پیوسته فعال نگه می‌داشت، اما این غنایم، فیل‌ها و بردگان، بازخورد قابل انتظار را در تولید، توسعه و رونق اقتصادی غزنویان ایجاد نکردند و مسکوکات فراوان نیز با افزایش نقدینگی، ایجاد تورم و گرانی را رقم زد. در این مقاله به تأثیر لشکرکشی‌های فراوان به هند بر ایجاد قدرت‌گیری‌های مالی نهاد سپاه که به مرور منجر به تبدیل نظامیان از جنگجویانی جسور و چابک به طبقه‌ای مرفه و عاقبت‌طلب شد، پرداخته‌ایم. این انحطاط سیاسی و اخلاقی موجب شد تا غزنویان با تحركات ترکمنان در خراسان، دچار شکست‌های بی‌پای شونند و با غارت‌شدن، توان مالی و نظامی خود را از دست بدهند. رعایای غزنوی نیز که پیش از این به دلیل لشکرکشی به هند، بارها طعم فشارهای مالیاتی را چشیده بودند، با دریافت مالیات‌های سنگین از ایشان و پیدایش قحطی، کم‌کم رویکردی بی‌طرفانه یا حتی جانبدارانه نسبت به ترکمنان در پیش گرفتند تا جایی که شکست نهایی غزنویان در نبرد داندانقان رقم خورد. کلید واژگان: بحران اقتصادی، غزنویان، بی‌ثباتی سیاسی، خراسان.

Economic Crisis of Ghaznavids and the Effect of That in the Collapse of Political Constancy

Jamile Yousefi¹ / Ismail Hassanzadeh⁴

Abstract

Ghaznavids (360-431) were from the middle ages with the origin of the Gholami who came to rule after the abduction of their believers in eastern Iran. Taxes were common and traditional sources of this government's economy, and since the iqta due to political problems were never considered by the Ghaznavid sultans, the achievement of India's spoils became the source of the livelihood of this dynasty, which, though financed by the government, the great army were kept active, but these spoils, elephants and slaves did not create the expected results in the production, development and economic prosperity of the Ghaznavids, and the abundance of problems caused a rise in liquidity, inflation and high prices. In this article, we have been examining the effect of military expedition to India on the financial strength of the armies, that caused transformed them from brave and agile warriors to wealthy class. This political and moral degeneration caused failing the Ghaznavids against the Turkmen movements in Khorasan, and losing their financial and military powers by plunder. The Ghaznavid peasants that because of the campaign to India, had received a lot of tax pressure, with heavy taxes and the emersion of famine, they gradually found an impartial or even biased approach to the Turkmen, where the ultimate defeat of the Ghaznavids was in the battle of the Dandanghan.

Keywords: Economic crisis, Ghaznavian, political instability, Khorasan.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه الزهرا (س). (نویسنده مسئول). این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری جمیله یوسفی از دانشگاه الزهرا با عنوان «تأثیر بحران‌های اقتصادی بر فروپاشی نظم سیاسی در دورهٔ سلجوقیان، آل بویه و غزنویان» است.

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س). * تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۹ * تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۲

3. PHD Candidate in History of Islamic Iran, Alzahra University. Email: j.yousefi@alzahra.ac.ir

4. Associated Professor, Department of History of Islamic Iran Alzahra University. Email: e.hasanzadeh@alzahra.ac.ir

۱- مقدمه

۱-۱ طرح موضوع

تاریخ دورهٔ میانه ایران، میراث‌دار تاریخ ایران باستان است و از طرفی بسیاری از پدیده‌های تاریخ معاصر نیز ریشه در واقعیت‌های این دوره دارد. در تقسیم‌بندی علوم جدید، «اقتصاد» شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که به تحلیل چگونگی تولید و توزیع و مصرف کالا می‌پردازد. در دورهٔ میانه نیز گرچه امور مالی و اقتصادی جامعه زیرمجموعهٔ نهاد وزارت قرار داشت، اما این نهاد علاوه بر تأثیرپذیری از ویژگی‌های جغرافیایی، به‌شدت از دو نهاد حکومت و سپاه متأثر بود و ویژگی‌های خود را از خاستگاه عاملان و کارگزاران این دو نهاد می‌پذیرفت.

اقتصاد سلسلهٔ غزنوی، به علت تفاوت و تمایزی که با حکومت معاصر خود (آل بویه) و سلسله‌های پیشین و پسین خود (سامانیان و سلجوقیان) دارد، یک استثنای شگفت‌انگیز است. اقطاع‌داری یکی از پایه‌های اقتصادی سه سلسله یادشده بود، در حالی که غزنویان هیچ‌گاه نظام اقطاع را مدل مطلوب اقتصادی خود قرار ندادند، چرا که غزنویان خود از نظام اقطاع، در ساختار سیاسی سامانیان حفره کرده و قدرت را به دست گرفته بودند و از عوارض آن آگاهی داشتند. از طرفی کسب درآمد از طریق مالیات اراضی و خراج ولایات دست‌نشانده، کفاف تأمین هزینه‌های حکومت را نمی‌داد، بنابراین لشکرکشی به هند در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

بحران اقتصادی در دورهٔ غزنوی مفاهیمی چون تورم و رکود را در بر می‌گرفت. تورم اقتصادی با افزایش نقدینگی رقم می‌خورد. در پی افزایش تقاضا برای خرید کالا و در پی آن کاهش کالاهای موجود، قیمت‌ها بالا می‌رفت و ارزش مسکوکات نسبت به قیمت کالاها پایین می‌آمد. اما رکود اقتصادی، پرشدن بازار از کالاهایی چون محصولات صنعتی و پیشه‌وری بود که خریداران خود را از دست داده و موجب افت سطح فروش و کاهش سود گردیده بود، در حالی که در همین زمان کاهش و نبود کالاهای ضروری چون مواد غذایی بر شدت بحران‌های اقتصادی دامن می‌زد.

۲-۱ پرسش پژوهش

بحران‌های اقتصادی در حکومت غزنوی چگونه ظهور یافت و چه تأثیری بر بی‌ثباتی نظم سیاسی داشت؟

۳-۱ فرضیه پژوهش

لشکرکشی به هند و کسب غنایم به دست نظامیان، تحول قابل قبول را در تولید و رونق اقتصادی

قلمرو غزنوی ایجاد نکرد و موجب بالارفتن قیمت‌ها و پیدایش بحران اقتصادی گردید. روی آوردن حکومت به شیوه‌هایی چون مصادره و دریافت مالیات‌های سنگین نه تنها معضلات مالی حکومت را حل نکرد، بلکه بر شدت بحران‌ها افزود و موجب شکست غزنویان در مقابل منازعات بی‌امان ترکمن‌ها گردید.

۴-۱ پیشینه تحقیق

پیش از این، پژوهش‌های اندکی در باب اقتصاد غزنویان انجام گرفته است. «نقش غنایم هند در بنیادهای اقتصادی غزنویان» از ذکرائه محمدی، مقاله‌ای است که با رویکردی مثبت نسبت به تأثیر غنایم هند در اقتصاد غزنویان، آن را عامل توسعه و رونق حکومت ایشان می‌داند. تاریخ غزنویان از ادموند کلیفورد باسورث نیز شرح مفصلی از منابع درآمد غزنویان و نقش غنایم هند در اقتصاد این حکومت ارائه کرده است، اما این هر دو از نقش غنایم در ایجاد تورم اقتصادی و تأثیر بحران‌های اقتصادی بر وضعیت نظم سیاسی این حکومت سخنی به‌میان نمی‌آورند، بنابراین جای پژوهشی در این باب خالی است.

۵-۱ روش تحقیق

برای شناخت متغیرها، این پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، از شیوه توصیفی استفاده کرده است و برای بررسی نوع و چگونگی رابطه میان اقتصاد و سیاست از روش تحلیلی - تبیینی بهره گرفته‌ایم.

۲- منابع مالی و درآمدی حکومت غزنویان

۱-۲ نظام مالی و تجربه اقطاع‌داری اولین حاکمان غزنوی

آپتگین از غلامان امیر احمد سامانی، در سال (۳۴ ق / ۹۶۰ م) به مقام امارت خراسان رسید^۵. او با خرید غلامانی که تعداد آنها هفتصد^۶ و به روایتی هزار و هفتصد نفر ذکر کرده شده است^۷، توان نظامی یافت و با بهره‌گیری از اقطاع و املاکی که در بلاد خراسان و ماوراءالنهر داشت و مشتمل

۵. ابوبکر، احمد بن جعفر نرزشخی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد القباوی، تلخیص محمد بن زمر، تصحیح مدرس رضوی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۳)، ص ۱۳۴.

۶. عبدالحی بن ضحاک گردیزی، زین‌الخبار، ج اول، تصحیح عبدالحی گردیزی (تهران: ۱۳۶۳ دنیای کتاب)، ص ۳۵۵.

۷. حسن بن علی، خواجه نظام‌الملک، سیاستنامه، به کوشش جعفر شعار (تهران: دنیای کتاب، ج اول ۱۳۷۱)، ص ۱۲۸.

بر «پانصد دینه ملک، سرای‌ها، باغ‌ها، کاروانسراها و حمام‌های بسیار در شهرهای عمده و ... یک میلیون گوسفند، صد هزار اسب و استر و اشتر»^۸ بود، هزینه ایشان را تأمین می‌کرد. هنگامی که آلپتگین بر سر جانشینی امیر عبدالملک، با دیگر بزرگان سامانی به اختلاف رسید، همراه با غلامان خود گریخت و با تصرف غزنه، هسته اولیه حکومت غزنویان را پی‌ریزی کرد. او برای پرداخت مستمری سپاهیان خویش از دو شیوه واگذاری اقطاع، و تاخت‌وتاز به هند و کسب غنایم بهره برد.

پس از درگذشت آلپتگین و قدرت‌نمایی کوتاه‌مدت چندین حاکم غزنوی، سبکتگین بر حکومت مستولی شد، در حالی که در خزانه جز «سیصد خروار سلیح و پانصد جامه نابریده و زر و سیم» هیچ نمانده بود، عمال او به گردآوری ۵۰۰ تا ۵ هزار دینار از حکام ولایات غزنوی به رسم هدیه و یا مالیات برآمدند و توانستند ۲۰۰ هزار دینار فراهم کنند.^۹ سبکتگین در گام بعدی اقدام به واگذاری اقطاع‌هایی به زیردستان خود کرد،^{۱۰} اما به‌زودی از آسیب‌های سیاسی و اقتصادی اقطاع‌داری آگاهی یافت و در پی رفع آن برآمد.

سوءاستفاده نظامیان از اراضی اقطاعی که حاکمان غزنه پیش از سبکتگین در اطراف غزنه رواج داده بودند، خرابی‌های بسیاری را به‌بار آورد و می‌رفت که آنها به مالکانی بزرگ تبدیل شوند؛ بنابراین سبکتگین تمام زمین‌های اقطاعی را پس گرفت و به زمین‌های دیوانی تبدیل کرد تا با آبادانی دوباره آنها، مستمری سپاهیان را نقدی پرداخت کند. آنگاه ضمن مصادره سران سپاهی که ثروتی بیش از درآمد اقطاع خود اندوخته بودند و جبران کسری آنانی که کمتر از حقوق مقرر داشتند، امور مالی لشکر را به‌نظام درآورد،^{۱۱} اما انجام‌دادن این اقدامات، کسری بودجه حکومت را رفع نکرد و او ناگزیر به سوی هند لشکر کشید. سبکتگین همراه با کسب غنایم کثیر از خراج سالیانه نواحی این سرزمین بهره‌مند گردید. فروش برده‌های هندی در بخارا و تهیه امتعه‌ای برای تجارت^{۱۲} نیز بر درآمدهای حکومت او افزود.

سرانجام سبکتگین و فرزندش محمود با دخالت در امور داخلی سامانیان که به واسطه شورش

۸. حسن بن علی، خواجه نظام‌الملک، سیاستنامه، به کوشش جعفر شعار (تهران: دنیای کتاب، چ اول ۱۳۷۱)، ۱۳۵.

۹. محمد بن علی شبانکاره‌ای، مجمع‌الانساب، میرهاشم محدث (تهران: ۱۳۷۴ انتشارات امیرکبیر) ص ۳۴.

۱۰. ناصح بن ظفر جرفادقانی، تاریخ یمینی، ترجمه جعفر شعار (تهران: ۱۳۷۴ انتشارات علمی و فرهنگی) ص ۲۰.

۱۱. شبانکاره‌ای، ص ۳۵ - ۳۴.

۱۲. همان، ص ۴۱.

فرماندهان دچار بی‌ثباتی شده بود، به امارت خراسان دست یافتند^{۱۳} و واگذاری اقطاع — به‌عنوان الگوی مسلط اقتصاد سیاسی — به آنها، زمینه تشکیل حکومت غزنویان را در خراسان فراهم کرد. بازخورد منفی اقطاع‌داری همان‌گونه که سبکتگین را به تکاپو انداخته بود، زنگ خطر را برای محمود نیز به‌صدا درآورد. بنابراین محمود و فرزندش مسعود تلاش کردند تا با پرداخت نقدیِ موجب لشکریان، از تکرار تجربه سامانیان و قدرت‌گیری امیران جلوگیری کنند. البته آنها اقطاع‌هایی به صورت محدود به برخی اعضای خانواده یا امیران تابع سیاسی واگذار کردند؛^{۱۴} اما این واگذاری به‌عنوان روشی برای بازپرداختِ موجب سپاهیان نبود. نوعی از اقطاع دیوانی نیز که «ضمان» نامیده شده و به معنای دریافتی ولایات در قبال پرداخت مالی مشخص سالانه به حکومت بود، دیده می‌شد، چنان‌که میمندی ولایت خوارزم را سالانه به ۶۰ هزار دینار به ضمان یکی از امیران نظامی (آلتوتناش) داد.^{۱۵} این واگذاری به صورت متمرکز بود و امیر نظامی موظف بود تا مالیات را جمع‌آوری و به مرکز ارسال کند و در مقابل، هزینه‌های لازم را برای اداره ولایت خود از دیوان دریافت کند. این واگذاری، احتمال سوءاستفاده نظامیان را کم می‌کرد؛ اما از بین نمی‌برد. ولایات در دوره حکومت عباسیان و آل بویه به ضمان افراد دیوانی و غیرنظامی داده می‌شد؛^{۱۶} اما در دوره سلجوقیان، ولایات هم به ضمان افراد نظامی و هم غیرنظامیان داده شد.^{۱۷}

با کمرنگ‌شدن نظام اقطاع‌داری در دوره غزنوی، مهم‌ترین منابع تأمین نقدی هزینه‌های ایشان عبارت بودند از:

۲-۲ مالیات ولایات؛ منبع درآمد همیشگی اما ناکافی

دریافت مالیات یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها برای کسب درآمد و انباشت خزانه بود. جمع‌آوری مالیات به وسیله امیران نظامی و تحت نظارت دیوان مرکزی صورت می‌گرفت. قلمرو غزنویان بنا بر گسترش جغرافیایی خود در ابتدا به سه منطقه سپهسالارنشین خراسان، خوارزم و غزنه تقسیم می‌شد که دو منطقه هند و عراق نیز به‌زودی به آن پیوست. امیران حاکم در این ولایات علاوه بر اداره حکومت

۱۳. جرفادقانی، ص ۱۱۰.

۱۴. جرفادقانی، ص ۲۴۳؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص

۳۹۲؛ گردیزی، ص ۳۹۲.

۱۵. خواجه نظام‌الملک، ص ۲۸۷ - ۲۸۸.

۱۶. ابوعلی مسکویه رازی، تجارب‌الامم، ج ۵، ترجمه علینقی منزوی (تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۶)، ص ۴۷۱.

۱۷. ابن‌اثیر، تاریخ کامل، ج ۱۶، ترجمه علی هاشمی (تهران: انتشارات کتب ایران، ۱۳۵۱)، ص ۳۰۷.

این نواحی، حفظ امنیت، توسعه ارضی، کسب غنایم، کوبیدن کافران، سرکوب شورش‌های داخلی و جمع خراج و مالیات را نیز بر عهده داشتند.^{۱۸}

ناظم، پژوهشگر هندی، تعداد سپاهیان محمود را حدود ۱۰۰ هزار نفر^{۱۹} و باسورث تعداد آنها را ۵۰ هزار نفر و نفرات لشکر مسعود را ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر^{۲۰} می‌داند؛ اگر این آمار را با تعداد سپاه سلجوقیان در اوج قدرت آنها که راوندی ۴۶ هزار نفر^{۲۱} و نیشابوری ۵۰ هزار نفر^{۲۲} می‌داند، مقایسه کنیم و وسعت قلمرو این دو حکومت را که در دوره سلجوقی از مرزهای طولانی‌تری برخوردار بود، در نظر بگیریم، مسلم می‌شود که با توجه به کثرت سپاهیان سپاه غزنوی، درآمد حاصل از مالیات قلمرو امپراطوری برای اداره لشکر عظیم آن کافی نبود؛ به‌خصوص وقتی که شرایط اضطراری، ایجاد آشوب‌های داخلی یا حملات همسایگان خارجی، پیدایش حوادث طبیعی همچون کاهش نزولات آسمانی، سیل و یا زلزله موجب کاهش محصولات زراعی و دامی می‌شد و بخش چشمگیری از درآمدهای مالیاتی را می‌بلعید و نیاز به شیوه‌های دیگری را برای کسب درآمد، الزامی می‌کرد.

۲-۳ خراج ولایات دست‌نشانده

حکومت غزنوی با تصرف نواحی جدید و یا با لشکرکشی‌های تنبیهی برای دفع شورش حاکمان تابع سیاسی نیز درآمد کسب می‌کرد؛ اما این درآمد ثابت نبود. چنانچه محمود در لشکرکشی تنبیهی به سال (۴۰۲ ق / ۱۰۱۲ م) به سوی قصدار،^{۲۳} بعد از تصرف سیستان^{۲۴} و فتح غرچستان به سال (۴۰۳ ق / ۱۰۱۳ م)^{۲۵} و ری به سال (۴۱۶ ق / ۱۰۳۲ م)^{۲۶} و با تأیید حکومت منوچهر زیاری در طبرستان

۱۸. اسماعیل حسن‌زاده، ساختار و عملکرد سپاه غزنویان، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۲، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۲۱.
۱۹. محمد ناظم، حیات و اوقات سلطان محمود، مترجم عبدالغفور امینی (کابل: مرکز نشرات میوند - سبا کتابخانه ناظم ۱۳۷۸)، ص ۱۳۲.
۲۰. ادومند کلیفورد باسورث، تاریخ غزنویان، ج ۱، ترجمه حسن انوشه (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۴)، ص ۱۲۶-۱۲۷.
- حسن‌زاده، همان، ص ۱۳۱.
۲۱. محمد بن سلیمان راوندی، راحة‌الصدور و آية‌السرور، تصحیح محمد اقبال (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۳)، ص ۱۳۱.
۲۲. ظهیرالدین نیشابوری، سلجوقنامه، تصحیح محمد رضانی، (تهران: انتشارات کلاله خاور ۱۳۳۲)، ص ۳۲.
۲۳. جرفادقانی، همان، ص ۳۲۹.
۲۴. شانکاره‌ای، ص ۴۸.
۲۵. جرفادقانی، ص ۳۳۱.
۲۶. ابن‌انیر، ج ۱۶، ص ۸۵.

و گرگان،^{۲۷} خزانه خود را با چنین اموالی انباشت. سلطان مسعود نیز در لشکرکشی تنبیهی به آمل^{۲۸} و با تأیید حکومت انوشروان زیاری^{۲۹} چنین اموالی را دریافت کرد. سلاطین غزنوی علاوه بر موارد مذکور از طریق تجارت، مصادره، ضبط میراث غلامان، ضیاع و املاک خاصه، پرورش و نگهداری احشام^{۳۰} و عطیه‌هایی که به مناسبت جشن نوروز و مهرگان و غیره به وسیله والیان خراسان، خوارزم، چغانیان، قصدار، کرمان، گرگان و اصفهان به سلطان اعطا می‌شد، کسب درآمد می‌کردند؛ البته این درآمدها غالباً به خزانه خاصه انتقال می‌یافت.

۲-۴ غنایم هند مهم‌ترین منبع درآمد حکومت غزنوی

برای بررسی تأثیر غنایم هند در اقتصاد غزنویان نخست باید به این پرسش پاسخ داد که چرا غزنویان از میان همسایگان خویش، هند را برای تأمین مقاصد مالی خود در نظر گرفتند؟ قلمرو غوریان واقع در شمال غزنه شامل رشته‌کوه‌هایی بود که از حدود خراسان تا حدود بامیان، پنج‌هیر و ماورالنهر تا ترکستان درونی، چاچ و خرخیز کشیده شده بود و در بر دارنده معادن طلا و غنی‌ترین معادن نقره به‌ویژه در نواحی خرخیز و پنج‌هیر بود؛ اما استخراج سخت و پرهزینه این معادن،^{۳۱} کوهستانی و صعب‌العبور بودن این سرزمین و مردمان خشن و بدخوی آن، نفوذ به این سرزمین را با مشکلات فراوانی روبه‌رو کرده بود.^{۳۲} دست‌اندازی به سرزمین آبادان و پر نعمت ماوراءالنهر به دلیل وجود حکومتی مقتدر و نیرومند امکان‌پذیر نبود. لشکرکشی به غرب خراسان نیز هنوز با حضور آل بویه میسر نبود؛ در حالی که سرزمین هندوستان، واقع در شرق و جنوب قلمرو غزنویان، با داشتن حکومتی پاره‌پاره و نامنظم و سرشار از ثروت فراوان، از بهترین شرایط برای لشکرکشی برخوردار بود. برای اطلاع از میزان غنایم هند به جدول ۱ نگاه کنید.

۲۷. سلطان محمود او را ملزم به پرداخت ۵۰ هزار دینار (جرفادقانی، همان، ص ۳۵۱) و به روایتی ۵۰۰ هزار دینار کرد (ابن‌اثیر، همان، ص ۸۶).

۲۸. ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض (تهران: نشر علمی ۱۳۷۴)، ص ۶۰۰ - ۵۹۷.

۲۹. ابن‌اثیر، همان.

۳۰. بیهقی، ص ۱۵۳ - ۱۵۶، ۲۹۶، ۶۷۸.

۳۱. ابواسحاق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، ایرج افشار (تهران: انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۶۸)، ص ۲۲۰.

۳۲. مهدی روشن‌ضمیر، تاریخ سیاسی و نظامی دودمان غوری (تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران ۲۵۳۷)، ص ۲.

جدول ۱: تفصیلی غنایم هندوستان

منبع	خراج	فدیه	فیل	برده	دینار	درهم	نبرد	دوره
گردیزی، ۳۸۵، ابن اثیر، ۱۵/۲۸۱، شبانکاره‌ای، ۴۸،		۲۰۰ هزار دینار و ۱۵۰ زنجیرفیل		۵۰۰ هزار	گردنبندی به قیمت ۲۰۰ تا ۱۸۰ هزار		پیشاور و ویهند (۳۹۲ق)	دوره حکومت محمود
گردیزی، ۳۸۷، جرفادقانی، ۲۷۷،			۲۸۰ یا ۱۲۰ زنجیر				بهاطیه (۳۹۵ق)	
گردیزی، ۳۹۷، پرویز، ۲۱۱،	۲۰ میلیون درهم		۱۱۰ زنجیر				مولتان (۳۹۶ق)	
چربادقانی، ۲۹۳، ابن اثیر، ۱۵/۳۱۶،					۹۰ میلیون یا ۷۰ میلیون		بهیم نگر (۳۹۹)	
جرفادقانی، ۳۱۲، ناظم،	خراج سالیانه معادل ۵۰ فیل		۳۰۰ زنجیر				ناراین (۴۰۰)	
جرفادقانی، ۳۸۶، پرویز، ۲۳۷،			۱۵ زنجیر	بی‌شمار	۱۵ میلیون		ناردین و دفع شورش قصدار (۴۰۴)	
جرفادقانی، ۳۸۶، گردیزی، ۳۹۹،			۳۵۰ زنجیر	۵۳ هزار نفر	۳ میلیون	۲۰ میلیون	قنوج و کشمیر (۴۰۹ق)	
گردیزی، ۳۹۷،		مبالغی فراوان	۳۰ زنجیر			۱ میلیون	برنه (۴۰۹ق)	
جرفادقانی، ۳۱۲، گردیزی، ۳۹۷،			۱۸۰ یا ۱۸۵ زنجیر		کالا به قیمت ۱۰۰ میلیون		کلچندر (۴۰۹ق)	
گردیزی ۳-۴۰۲،			۳۵ زنجیر				گوالیار (۴۱۳ق)	

۳۳. وزن «من» متداول در روزگار قدیم، معادل «من» تبریز برابر ۸۳۳ گرم بود. رک: پاکتچی، احمد. «اوزان و مقادیر»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. چ اول. (تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ۱۳۸۰)، ص ۴۳۸. هینتس وزن «من» متداول در قرون وسطی را نامشخص می‌داند و اظهار می‌کند که اولین اطلاعات ذکر شده در این باب مربوط به قرن هشتم است که وزن «من» شرعی معادل دو رطل (هر رطل ۱۳۰ درهم) بود. رک: والتر، هینتس. اوزان و مقیاس‌ها در اسلام، ترجمه غلامرضا وهرام، چ اول. (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸)، ص ۹.

گردیزی ۳-۴۰۲ این ائیر، ۱۵/۲۸۸			۵۰۰ یا ۳۰۰ زنجیر			۳ هزار من نقره ^{۳۳} معادل با ۷۸۰۰۰ درهم	کلچندر (۴۱۳)	دوره حکومت محمود
این ائیر، ۱۶/۶۱					۲۰ میلیون		سومنت (۴۱۶ق)	
گردیزی، ۴۰۵				بی‌شمار			مولتان (۴۱۸ق)	
گردیزی، ۴۲۷				بی‌شمار	بسیار	بسیار	سرستی (۴۲۴ق)	کومت مسعود
گردیزی، ۴۳۲				بی‌شمار			هانسی (۴۲۷ق)	
گردیزی، ۴۳۳				بی‌شمار			سونی‌پت (۴۲۸ق)	
۲۰ میلیون درهم	۲۰۰ هزار دینار و ۱۵۰ زنجیرفیل	حدود ۱۴۴۰ تا ۱۹۲۵ زنجیر فیل	حدود ۵۵۳ هزارنفر	حدود ۱۲۳ میلیون و ۲۰۰ هزار دینار	حدود ۱۰۷ تا ۱۲۷ میلیون درهم		جمع غنایم ^{۳۳}	

یک پنجم از بردگان، چهارپایان و کلیه غنایم به سلطان تعلق می‌گرفت. کلیه فلزات قیمتی، سلاح‌ها و فیل‌ها جزء یک پنجم سهم سلطان بود و حق صغیه به او اجاز می‌داد که برداشت اولیه از اجناس برگزیده با او باشد و غنایم دیگر به فراخور مقام سپاهیان تقسیم می‌شد.^{۳۵} سهم سوار به طور معمول دو برابر سهم پیاده بود، اما فخر مدبر به نقل از خراج ابویوسف، سوارکار را برخوردار از سه سهم، یک سهم برای سوار و دو سهم برای اسب او می‌دانست.^{۳۶}

بخشی از سهم متعلق به سلطان، می‌توانست وارد جریان تولید، توسعه و یا تجارت شود؛ که البته حاصل آن به خزانه خاصه او وارد می‌شد. چهار پنجم غنایم نیز که سهم سربازان و غازیان می‌شد، تنها در سطوح خردتر وارد اقتصاد می‌شد. البته غازیان که بعضاً از ماوراءالنهر بودند، با پایان

۳۴. با توجه به آمار متناقض در منابع، در جمع‌بندی آمار غنایم تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

۳۵. فخرمدبر، *آداب الحرب و الشجاعة*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری (تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۴۶)، ص ۳۹۸.

۳۶. همان، ص ۴۰۳.

جنگ، بخشی از این غنایم را به خارج از قلمرو غزنوی انتقال می‌دادند. بخشی از غنایم نیز در معامله با تجاری که عموماً در بازار لشکر حضور داشتند، از چرخه اقتصادی حکومت خارج می‌شد. سران لشکری نیز بخشی از سهم خود را جهت خرید املاک صرف می‌کردند؛ بنابراین بازخورد غنایم عملاً در اقتصاد قلمرو غزنویان چنان که انتظار می‌رفت، نبود.

سلطان محمود و مسعود، در مجموع حدود ۱۶ بار به سرزمین هند لشکرکشی کردند و غنایم بی‌شماری را به‌دست آوردند. با نگاهی اجمالی به جدول شماره ۱ می‌توان دریافت، هم تعداد لشکرکشی‌های محمود و هم میزان بهره‌مندی او از غنایم سرزمین هند، چندین برابر مسعود بوده است؛ اما آنچه جای تردید و تأمل دارد، آمار بسیار بالای غنایم ذکرشده — حدود ۱۲۰ میلیون دینار و همین میزان مسکوک نقره — است. آیا می‌توان پذیرفت که به واقع غزنویان چنین اموال بی‌حد و حصری را به‌دست آورده بودند؟ و اگر چنین بود آنها چه توجیهی برای دریافت مالیات‌های سنگین داشتند؟

به‌نظر می‌رسد، در ارائه این آمار، عراق و بزرگ‌نمایی شده است تا مقام سلاطین غزنوی به‌عنوان غازی، هر چه بیشتر بالا برود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر غنایم هند در ایجاد رونق حکومت، کوتاه‌مدت و با نوسان بسیار همراه بوده است. به‌ویژه که بخش مهمی از غنایم کسب‌شده، به چرخه اقتصادی غزنویان از جمله تولید و تجارت انتقال نمی‌یافت. دلایل این موضوع را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد.

الف) تأثیر افزایش نقدینگی بر کاهش ارزش مسکوکات و پیدایش تورم

بهره‌گیری از غنایم، ضرب مسکوکاتی با وزن و عیار بالا را در حکومت غزنوی میسر می‌کرد و اعتبار پول رایج نیشابور و حدود گردش آن، چنان بالا رفت که وسعت معامله با آن حتی به شبه‌جزیره عربستان هم کشیده شد؛^{۳۷} اما نمی‌توان از آثار زیان‌بار ضرب مسکوکات در اقتصاد داخلی چشم‌پوشی کرد. تأثیر افزایش نقدینگی بر کاهش مسکوکات و پیدایش تورم را می‌توان از سه جنبه زیر بررسی کرد.

۱- با افزایش نقدینگی، کاهش ارزش مسکوکات داخلی رقم خورد. چنان‌که با افزایش مسکوکات در اوج حکومت سامانیان نیز به سال (۳۰۹ ق / ۹۲۲ م) در بخارا از سکه‌های گوناگون اما با ارزش ناچیز و عیار پایین یادشده که نقش پول اعتباری را داشت. درهم‌های ناخالص غطریفی که صد دانه

آن معادل یک درهم بود و هنگام معاملات شمارش می‌شد، پول رسمی بخارا به حساب می‌آمد و تنها برای پرداخت مهریه، خرید برده و معامله املاک از آن بهره گرفته می‌شد.^{۳۸} درهم‌های دیگری نیز وجود داشت؛ درهمی از جنس مس زرد که ۴۰ عدد آن معادل یک دانگ بود و درهم سمرقندی که ۶ عدد آن یک دانگ محسوب می‌شد.^{۳۹}

در دوره غزنوی گزارش‌هایی از توزین مسکوکات در معاملات نیز دیده می‌شود.^{۴۰} البته به روایتی این امر به تقلید از دوره عباسی صورت می‌گرفت. از دوره خلافت معتضد به بعد مسکوکات، برخلاف آغاز این دوره که دینار ۴/۲۵ گرم و درهم ۲/۹۷ گرم وزن داشت، با وزن‌های متفاوتی از ۱/۱۵ تا ۶ گرم ضرب می‌شد و ناگزیر برای انجام دادن مبادله، وزن می‌گردیدند؛^{۴۱} اما به واقع این اقدام خلفا نیز حاکی از کاهش ارزش پول بود. در این دوره افزایش نقدینگی، موجب ضرب مسکوکات دو، سه و پنج درهمی نیز گردید که نشانی دیگر از تنزل ارزش مسکوکات بود. قطر سکه‌های چنددرهمی دو برابر درهم‌های معمولی و وزن آن چهار برابر، اما میزان نقره آن کمتر بود. نخستین چنددرهمی‌های ضرب شده تا سال (۳۶۸ ق / ۹۷۹ م) حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد نقره داشت. اما به مرور با کاهش میزان نقره در فاصله سال‌های (۳۷۴ - ۳۷۸ ق / ۹۸۸ - ۹۸۵ م) درصد خلوص سکه‌ها به ۷۵ تا ۸۰ درصد و در فاصله سال‌های (۳۸۵ - ۳۹۰ ق / ۹۹۵ - ۱۰۰۰ م) به حدود ۵۰ تا ۵۵ درصد رسید.^{۴۲} این مسکوکات نقش کالای تجاری را برای بازرگانان ایفا می‌کردند، آنها می‌توانستند در قبال کالاهای وارداتی خود، این مسکوکات را دریافت و از چرخه اقتصادی حکومت خارج کنند؛ بنابراین به مرور میزان خلوص سکه‌ها کاهش یافت.

ضرب سکه‌های دو، سه و پنج درهمی به دستور محمود، هم مرهون دستیابی او به غنایم هند و هم متأثر از دسترسی او به معادن نقره در بدخشان، ولواج، پنجپیر و اندرابه بود. نوع دیگر درهم، بیشتر در بلخ و نیشابور و کمتر در هرات، مرو و غزنه ضرب می‌شد. غزنویان با کشف معدن طلا در سیستان به سال (۳۹۰ ق / ۱۰۰۰ م) خوشبختی مضاعفی در ضرب مسکوکات وزین خود یافتند^{۴۳} و

۳۸. ابن فضلان، سفرنامه ابن فضلان، ابوالفضل طباطبایی، چ دوم (تهران: انتشارات شرق، ۲۵۳۵)، ص ۶۳.

۳۹. همان، ص ۶۵.

۴۰. جرفادقانی، ص ۳۸۶ - ۳۸۷.

۴۱. Album, S, *Checklist of Islamic Coins*, 3rd ed, Snta Rosa. 2011.

مجموعه مقالات همایش بین‌المللی زبان و ادبیات. (زیر نظر محمد دبیر مقدم. رضایی (۱۳۹۴). ص ۱۹۶ - ۱۹۷ رضایی باغ‌بیدی

تصویر، وزن و عیار سکه‌های غزنوی را در مقاله خویش آورده است.

42. M Broom, *The Handbook of Islamic Coins*, 3rd ed, Snta Rosa. 1985.

۴۳. ابن‌اثیر، ج ۱۵، ص ۲۷۵.

در فاصله سال‌های (۴۲۰-۴۲۱ ق / ۱۰۲۹-۱۰۳۰ م) حوزه ضرب مسکوکات به سیستان و محمدیه نیز کشیده شد. میزان نقره موجود در آنها ۶۰ تا ۹۰ درصد بود و درصد تقریباً یکسانی مس و سرب هم در آنها دیده می‌شد؛^{۴۴} که با خالص‌ترین سکه‌های دوره سامانی قابل قیاس است. لین پول معتقد است که به دلیل آمیختن مس با نقره، غالباً عیار اغلب سکه‌های غزنویان پایین بود،^{۴۵} اما باسورث مسکوکات مذکور را مربوط به دوره سلاطین بعدی غزنوی می‌داند.^{۴۶} البته باید توجه کرد که حتی خالص‌ترین درهم‌ها هم درصدی ناخالصی از مس، سرب و غیره داشتند و نمی‌توان آن را از عوامل رکود اقتصادی دانست.

غزنویان با داشتن پشتوانه قوی از طلا و نقره توانستند برای برقراری معاملات خرد داخلی و داد و ستدهای روزمره، سکه‌های نیم‌درهمی، کسر درهمی و مسکوکات مسین قابل اعتباری نیز به گردش بیندازند. البته از آنجایی که بنا بر گزارش منابع، این نوع سکه‌ها تنها در دوره حکومت محمود ضرب می‌شدند، نمی‌توان آن را نشانه بحران اقتصادی فرض کرد. به واقع در اختیارداشتن نقره فراوان، غزنویان را از ضرب و به‌کارگیری وسیع مسکوکات مسین بی‌نیازی کرد.

۲- افزایش نقدینگی در مدتی کوتاه با تزریق بی‌سامان پول به اقتصاد کشور، عوارض ناخواسته بسیاری را به بار می‌آورد. آغاز بازگشت سپاهیان از هند، زمان اوج رونق اقتصادی، افزایش داد و ستد و ایجاد رفاه نسبی بود، اما به‌زودی افزایش نقدینگی، بحران اقتصادی را رقم می‌زد. این موضوع وقتی بیشتر نمود می‌یافت که با ورود نظامیان، درخواست خرید کالاهای ضروری به‌ویژه مواد غذایی افزون شود. افزایش تقاضا، به‌سرعت موجب کاهش کالاهای موجود، بالا رفتن قیمت آنها و ایجاد تورم می‌گردید و این امر به نوبه خود موجب کاهش ارزش سکه‌های در گردش نسبت به قیمت کالاها می‌شد.

۳- افزایش نقدینگی می‌توانست تجارت داخلی را دچار رکود کند، در حالی که بر رونق تجارت خارجی و جلب تاجرانی از دیگر سرزمین‌ها می‌افزود.

ولایت خراسان همانند چهارراهی بود که در مسیر کاروان‌های تجاری قرار داشت. غزنه یکی از انبارهای موقتی کالاهای ترانزیتی بود که خراسان و ماوراءالنهر را به هند وصل می‌کرد. با فتوحات

44. Northver, J.P. et al (2007), *Medieval Islamic Mint Technology, A Metallographic Study*, Microsc.

45. Lane Poole, R.S., *Catalogue of Oriental Coins in British Meusum* 8 vol (London, 1889-90); 1876:136.

۴۶. باسورث، ص ۴۳.

محمود در هند و فتح ناردین، راه قافله‌های تجاری خراسان و ماوراءالنهر گشوده شد^{۴۷} و مضاف بر پیدایش مسیرهای جدید تجاری و ایجاد امنیت در این مسیرها، ورود غنایم و حضور بردگان نیز موجب جلب نظر سوداگران و رونق تجارت گردید، این درحالی بود که تاجران غالباً با واردات کالاهای تجملی که تأثیری در تولید و زایش و رونق اقتصاد داخلی نداشت، در پی جلب نقدینگی برمی‌آمدند^{۴۸} و در مقابل می‌توانستند مسکوکات با عیار و وزن بالا را از جریان اقتصادی این قلمرو خارج کنند؛ چرا که پول در این روزگار، اعتباری نبود و در صورت برخورداری از عیار و وزن بالا، خود با ارزش‌ترین کالای تجاری به حساب می‌آمد.

ب) هزینه‌های بالای لشکرکشی‌ها

غزنویان برای لشکرکشی به هند مجبور به عبور از پستی‌ها و بلندی‌ها،^{۴۹} بیابان‌های خشک و بی‌آب و علف و حتی عبور^{۵۰} از رودخانه‌هایی چون گنگ و سند بودند، بنابراین انبوهی از کارگران آهنگر، درودگر و سنگ‌شکن^{۵۱} را با خود همراه می‌کردند. از طرفی هند، سرزمینی با آب و هوای گرم و شرجی بود. گرمای زیاد،^{۵۲} کثرت بارندگی،^{۵۳} شروع سرمای شدید و بارش برف^{۵۴} و عبور از سرزمین‌های خشک بیابانی^{۵۵} تلفات شدید انسانی و مادی را به بار می‌آورد. سپاهیان، گاه با وجود این هزینه‌ها موفق به تسخیر ولایت نمی‌شدند^{۵۶} و یا در راه بازگشت از جنگ، مورد حمله راهزنان هندی قرار می‌گرفتند.^{۵۷} تأمین آذوقه و هزینه سربازان به‌ویژه هنگام طولانی‌شدن محاصره و

۴۷. جرفادقانی، ص ۳۱۱ - ۳۱۲.

۴۸. گردیزی، ص ۴۲۰. وقتی سلطان محمد در آغاز حکومت خویش ۷۰ تا ۸۰ میلیون درهم اموال خزانه را به اطرافیان بخشید، بازرگانان از نواحی دوردست رو به غزنین نهادند و همه‌گونه متاع آوردند. البته می‌توان انتظار داشت به زودی با کاهش تقاضا برای خرید کالاهای تجملی، قیمت آنها پایین آمده باشد.

۴۹. ابن‌اثیر، ج ۱۶، ص ۱۵۹.

۵۰. همان، ۵۹.

۵۱. گردیزی، ۴۰۱.

۵۲. همان، ص ۴۰۲ - ۴۰۳.

۵۳. ابن‌اثیر، همان، ص ۲۹۵ - ۹۶.

۵۴. گردیزی، ص ۳۹۵.

۵۵. همان، ص ۴۱۳.

۵۶. همان، ص ۴۰۳.

۵۷. همان، ص ۴۱۳.

حضور غازیان متعدد^{۵۸} از سراسر ماوراءالنهر و خراسان، بر این هزینه‌ها می‌افزود. غازیان حقوق ثابت لشکری نداشتند و نیروهای جنگی خودتأمینی بودند که تنها می‌توانستند نصیبی از غنایم ببرند. حضور آنها می‌توانست برخی هزینه‌های حکومت را در تأمین نیرو کاهش دهد، اما فقدان نظم و آموزش‌های نظامی غازیان در طول جنگ‌ها مشکل‌آفرین بود و گاه نیز سلطان مجبور می‌شد تا برای تأمین سلاح و تجهیزات آنها هزینه کند.^{۵۹} از طرفی گاه آنها — که در بیشتر کارهای پادگان‌سازی لاهور و دیگر استحکامات غزنوی در هند انجام وظیفه می‌کردند — با تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین عوامل شورش، صدمات اقتصادی دیگری را هم به بار می‌آوردند.^{۶۰}

ج) فیل، غنیمت یا هزینه؟

موضوع غنیمت‌گرفتن فیل‌ها هم جای تأمل دارد. تنها آمار بالنسبه دقیقی که از غنایم وجود دارد، تعداد فیل‌ها بوده است. مهم‌ترین دلیل حضور آنها در پایتخت، به‌نمایش گذاشتن جنبه‌ای از قدرت و شکوه غزنویان بود. بخشی از این فیل‌ها جنگی و برخی بارکش بودند؛ اما در واقع کاربرد چندانی نداشتند. در طی نبردها به دلیل محدودیت مکانی پیشانی جبهه، فیل‌ها امکان آرایش وسیع را در خط مقدم نداشتند، چنان‌که در نبرد سرنوشت‌ساز دندانقان تنها ۱۲ فیل در میدان حضور داشتند،^{۶۱} از طرفی حرکت کُند آنها در طی لشکرکشی‌ها هم ایجاد اختلال می‌کرد و چه بسا در نبرد با ترکمنان تیز و چابک یک نکته منفی محسوب می‌شد. با این توصیف نگهداری چنین غنیمت پرهزینه‌ای مفید فایده نبود. گرچه عتبی از پیل‌خانه‌ای در غزنه نام برده است که هزار فیل را در «سرای فسیح و خطه‌ای وسیع»^{۶۲} جای داده بود، اما چه بسا غالب این فیل‌ها به علت آب و هوای خشک غزنه و خراسان لاغر و ضعیف می‌شدند^{۶۳} و ناگزیر دوباره به راجه‌های هندی فروخته و به هند بازگردانده می‌شدند.

۵۸. جرفادقانی، ص ۳۸۵ - ۳۸۶ و ۳۷۷.

۵۹. ناظم، ص ۱۱۵.

۶۰. ذک‌الله محمدی، «نقش غنایم و ثروت هند در بنیه‌های اقتصادی غزنویان» فصلنامه علمی تخصصی تاریخ، ۱۳۸۶، س

یکم، ش چهارم، ص ۱۲۷.

۶۱. بیهقی، ص ۶۲۲.

۶۲. جرفادقانی، ص ۳۸۹.

۶۳. ناظم، ص ۱۳۲.

(د) انبوهی بردگان، فرصت یا تهدید؟

بردگان بخش مهمی از غنایم هند را تشکیل می‌دادند. به عقیده فرای، کامیابی اقتصادی سامانیان ناشی از تجارت برده [ترک] بوده است. آیا می‌توان چنین نقشی را برای غلامان و بردگان هند هم قائل شد؟

غلامان بر اساس جمال و زیبایی و آراستگی، هوش و ذکاوت و قدرت بدنی برای کارهای مختلفی چون سپاهی‌گری، مشاغل ثقه چون کدخدایی و خازنی، مشاغل خانگی چون غلامان سرایی، ستوربانی، فراشی و طبخی،^{۶۴} کار در زمین‌های کشاورزی و کارگاه‌های صنعتی گمارده می‌شدند. آنها به لحاظ خلق و خو و افعال خوب و بد خود، فرمانبری بی‌چون و چرا از مالکان و یا کاهلی و سستی، دلیری و درستی، میزان وفاداری نسبت به صاحبان و یا خائن و گریزپای بودن، خود مراتب و درجات مختلفی داشتند. غلامان ترک به لحاظ محاسن و زیبایی و مهارت نظامی در سوارکاری، طالبان بیشتری در میان سران درجه اول حکومت چون سلاطین، ورزا و امیران داشتند و آنها بهای بیشتری را برای خرید بردگان تقبل می‌کردند، بنابراین تجارت این غلامان — همچنان که در دوره سامانی معمول بود — می‌توانست سود خوبی را نصیب نخاسان و حکومت کند، در حالی که غلامان هندی که در پیاده‌نظام لشکر به کار گرفته می‌شدند، در سطح‌بندی دریافت مستمری پایین‌تر از سواران ترک بودند و نصف آنها حقوق می‌گرفتند؛ بنابراین قیمت ناچیزتری داشتند. آنها به لحاظ جمال هم، چندان مورد توجه نبودند. غلامان هندو بدزبان بودند و در خانه کنیزکان از آنها ایمن نبودند.^{۶۵} این بردگان بیشتر در امور خانگی و برای مشاغل پست و کم‌ارزش به کار گرفته می‌شدند. ویژگی‌های یادشده، تمایل به سرمایه‌گذاری در تجارت بردگان هندی و انتقال مداوم آنها را از غزنه و خراسان به سمت مرکز و غرب ایران کاهش می‌داد، در منابع دوره میانه نیز کمتر نامی از غلامان بزرگ هندی مانند غلامان بزرگ ترک در امور سپاهی‌گری و مشاغل مهم کشوری و لشکری دیده می‌شود. با کاهش تمایل به خرید هندیان، جریان ورود آنها به قلمرو غزنوی، رونق چندانی را در اقتصاد غزنوی ایجاد نکرد و سلاطین غزنوی نتوانستند درآمد چندانی را از عوارض تجارت آنها به‌دست آورند. این بردگان به قیمت پایین فروخته می‌شدند؛ گاه قیمت غلامان هندی به دو تا ده درم می‌رسید و هر «جمال و حمال و کناس و نخاسی»،^{۶۶} می‌توانست با خرید غلامان

۶۴. کیکاووس بن اسکندر، عنصرالمعالی، قابوس‌نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱)،

ص ۱۱۳ - ۱۱۴.

۶۵. همان، ص ۱۴.

۶۶. جرفادقانی، ص ۳۸۶.

هندی خواهه شود و آقایی کند، اگر قیمت بردگان هندو را با کنیزان زیاروی ارمنی — که در همین زمان با غارت غزهای عراقی در ارمنستان، در پایین ترین قیمت خود به ۵ دینار^{۶۷} فروخته می شدند، و غلامان ترک که در دوره محمد بن ملک شاه سلجوقی در بالاترین قیمت خود به ۱۰۰ دینار^{۶۸} فروخته می شد — مقایسه کنیم، به ناچیز بودن بهای هندوان پی می بریم.

حضور هندوان در قلمرو غزنوی به لحاظ اقتصادی نیز می توانست معضلات مهمی به بار آورد. اگر به واقع در فتح پیشاور، ۵۰۰ هزار و در فتح قنوج ۵۳ هزار برده^{۶۹} وارد غزنه و خراسان شدند که غالب آنها خریدار نداشتند، با توجه به کوهستانی بودن نواحی شمالی غزنه و بیابانی بودن بخش هایی از خراسان که موجب می شد سرزمین غزنویان به لحاظ کشاورزی رونق چندانی نداشته باشد، می توان تصور کرد که چگونه تنها تأمین غذای آنها در مدتی کوتاه می توانست موجب پیدایش قحطی و گرانی شود و چگونه تأمین مسکن آنها حکومت را دچار سختی می کرد.

نگاه طبقه ای و کاست محور هندوان نسبت به امر ازدواج و لحاظ کردن قومیت، شغل و مذهب در این زمینه، عامل محدودکننده دیگری در توزیع جمعیت بردگان هندی در ایران بود. عدم تمایل هندیان به برقراری پیوند با دیگر اقشار جامعه، موجب می شد آنها به عنوان عنصری جذب نشده و حل نشده در فضای اجتماعی و فرهنگی ایران باقی بمانند و به یکی از پایه های ثابت برای شورش علیه حکومت تبدیل شوند.^{۷۰}

ه) انباشت بی حاصل غنایم هند در قلعه ها

گرچه سهم سلطان از غنایم در خزانه خاصه او ذخیره می شد، اما از آنجایی که سلطان می توانست تمامی غنایم های با ارزش — حتی بیش از سهم خویش — را بردارد، می توان تصور کرد که ذخیره آنها مانع ورودشان به جریان تولید و تجارت می شد. چنانچه سلطان محمود غالب غنایم نفیس را روانه قلعه هایی چون دیدی رو، مندیش، نای لمان، مرنج و سامدکوت کرد^{۷۱} تا چه بسا شکوه

۶۷. ابن اثیر، ج ۱۶، ص ۱۰۴.

۶۸. فتح بن علی، بنداری اصفهانی، زبده النصره و نخبه العصر، ترجمه محمد حسین جلیلی (تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران،

۱۳۵۶)، ص ۱۱۱.

۶۹. گردیزی، ص ۳۸۵.

۷۰. عنصرالمعالی، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۷۱. گردیزی، ص ۴۳۸.

و عظمت حکومت خود را در ملاقات با رقبایی چون ایلک‌خان به نمایش بگذارد،^{۷۲} در حالی که بعد از شکست دندانقان طمع غلامان به این ثروت بادآورده که مشتمل بر سه هزار محموله^{۷۳} بود، موجبات قتل مسعود را فراهم آورد.^{۷۴} اگر تنها بخشی از آن محموله، مسکوکات زر و نقره و جواهرات بود، با توجه به اینکه وزن هر حمل معادل ۲۵۰ کیلوگرم بود،^{۷۵} می‌توان به ارزش چشمگیر آن پی برد.

و) هزینه‌های مسرفانه سلاطین غزنوی در ساختن کاخ‌ها و باغ‌ها و دادن هدیه‌ها و صلح‌ها
سلاطین غزنوی (محمود و مسعود) به آراسته کردن حکومت خود به ظواهر مادی و صرف غنایم در این راه تمایل فراوان داشتند. کوشک مسعودی که برای عمارت آن هفت میلیون درهم هزینه شد^{۷۶} و باغ پرشکوهی در بلخ که در سال (۴۲۲ق/۱۰۳۱م) هزینه مجددی صرف آن شد، از آن جمله بودند.^{۷۷} گرچه به نظر می‌رسد سلطان این هزینه‌ها را از خزانه خاصه خود فراهم می‌کرد، اما می‌توان آن را به برخی جهات از موانع رونق اقتصادی دانست. چنان‌که در ساخت این عمارت‌ها غالباً از مردم عادی بیگاری گرفته می‌شد و آنها در آن بازه زمانی از تولید و توزیع محصولات خود باز می‌ماندند. از طرفی گاه تأمین بخشی از هزینه‌ها هم بر دوش آنها تحمیل می‌شد. نقش ساخت چنین عمارت‌هایی در ایجاد بحران اقتصادی وقتی برجسته‌تر می‌شد که حکومت در شرایط حساس سیاسی قرار داشت، چنان‌که کوشک جدید مسعودی — که تخت زرینی به وزن ۷۰ من، حدود ۵۸ گیلوگرم و برابر با ۱۸۲۰ دینار از زر جواهر بود — در اوج نبرد با ترکمنان ساخته شد.^{۷۸}

بخش دیگری از هزینه‌های مسرفانه سلاطین غزنوی نیز در هدیه‌هایی صرف می‌شد که برای خلیفه یا والی ترکستان فرستاده می‌شد.^{۷۹} این تجمل‌خواهی‌ها در عروسی مسعود با دختر خان

۷۲. جرفادقانی، ص ۳۱۹.

۷۳. ابن‌اثیر، همان، ص ۲۰۱.

۷۴. گردیزی، ص ۴۳۹.

۷۵. احمد پاکتچی، ص ۴۳۸.

۷۶. بیهقی، ص ۶۵۱-۶۵۲.

۷۷. همان، ص ۱۸۱ و ۷۲۹.

۷۸. گردیزی، ص ۴۳۱.

۷۹. همان، ص ۳۸۹، ۲۸۱.

ترکستان در بالاترین حد خود دیده می‌شود.^{۸۰} غزنویان همچنین هزینه‌های سنگینی را صرف صلح به شاعران و مطربان می‌کردند.^{۸۱}

۳- عوامل اقتصادی انحطاط غزنویان

اکنون این سؤال مهم در اینجا مطرح می‌شود که در پیش گرفتن کدام سیاست‌های مالی موجب پیدایش بحران اقتصادی و انتقال حکومت از غزنویان به سلجوقیان گردید؟

۳-۱ تأثیر فشارهای مالیاتی در پیدایش نارضایتی مردم

چرا با وجود لشکرکشی‌های سلاطین غزنوی به هند، دیگر راه‌های درآمد حکومت، چون دریافت مالیات از رعایا تنگ‌تر نشد؟ به واقع باید یکی از مهم‌ترین دلایل این موضوع را تأمین نیازهای فوری - علوفه و آذوقه سپاه - برای لشکرکشی دانست. اینکه بازنمایی‌های متناقضی از سیاست‌های مالی اسفرائینی وزیر محمود در منابع وجود دارد، حاصل این نوع مالیات‌گیری‌ها است. مؤلف دستورالوزراء، اسفرائینی را در «ضبط امور مملکت و سرانجام مهام سپاهی و رعیت»^{۸۲} توانا می‌دانست، در حالی که مؤلف تاریخ عتبی او را وزیری معرفی کرده که برای پرکردن خزانه، هم رعیت و هم خواجه را مسکین نموده که موجب جلای وطن کشاورزان و ایجاد خلل در پرداخت موجب لشکریان شده بود.^{۸۳} به نظر می‌رسد تفاوت این دو روایت نه به دلیل اختلاس‌های مالی وزیر، بلکه به جهت مالیات‌های اخذ شده‌ای بود که صرف هزینه لشکرکشی می‌شد. البته در این میان پیدایش قحطی و خشکسالی سال (۴۰۱ق/۱۰۱۱م) در فرایند دریافت مالیات با خشونت، مزید بر علت بود.^{۸۴}

جریان دریافت مالیات‌های سنگین با شدت بیشتری در دوره مسعود ادامه یافت، البته در آغاز حکومت او مدیریت سیاسی و انضباط خواجه میمندی توانست فشارهای مالیاتی را کاهش دهد. او در کنار ایجاد امنیت مالی و سیاسی و جلب نظر رعایا، مالیاتی را «که در هیچ عهد از خراسان مثل آن به خزانه هیچ پادشاهی نرسیده بود» فراهم کرد. پس از خواجه، جریان دریافت مالیات‌های سنگین شتاب گرفت و حکومت را در سرایشی سقوط قرار داد. خواجه احمد عبدالصمد فردی کافی

۸۰. گردیزی، ص ۱۵۷-۱۵۸، ۵۴۹، ۸۱۵.

۸۱. همان، ص ۱۵۷-۱۵۸ و ۸۱۵.

۸۲. خواندمیر، دستورالوزراء، تصحیح سعید نفیسی (تهران: اقبال، ۱۳۵۵)، ص ۱۳۸.

۸۳. جرفادقانی، ص ۳۳۸.

۸۴. همان، ص ۳۱۶-۳۱۸.

و معاملات دان بود، اما نتوانست سلطه میمندی را در پایگاه وزارت برقرار کند. او در کنترل بر امور مالی و بازرسی، عملکرد عاملان و امیران نظامی توانایی و مدیریت داهیان میمندی را نداشت. در دوره وزارت او اختلاس مالی فراوان گزارش شده است. یکی از علل این تفاوت را باید در نوع عملکرد آنها دانست. میمندی در پذیرفتن مقام وزارت، خویشان را از دخالت در امور تفریحی سلطان و همچنین دخالت در جنگ برحذر نمود.^{۸۵} او که پیش از این در نتیجه بدگویی امیران سال‌ها در بند شده بود، ترجیح می‌داد تا با دخالت نکردن در جنگ، از امور تخصصی و حرفه‌ای نظامی میرا باشد و وقت خود را کاملاً صرف ترتیب نظام مالی کشوری کند. او حتی در بستر مرگ، ابوالقاسم کثیر (صاحب دیوان خراسان) را به دلیل اختلاس مالیات‌های خراسان به پای میز محاکمه نشاند،^{۸۶} اما عبدالصمد برخلاف خواجه در برخی جنگ‌ها، شخصاً حضور می‌یافت و از اداره مالی کشور غفلت می‌کرد؛ بنابراین دزدی و ارتشا در میان امیران لشکری زیاد شد و با کاهش قدرت نظارتی او و به‌ویژه دخالت سلطان، افراد متهور و ظالمی چون سوری در مقام صاحب‌دیوانی خراسان به موازات وزارت قدرت یافتند.

سوری، اعیان و رؤسای خراسان را برکند و مالیات‌های بی‌اندازه گرفت. او در مقام پاسخگویی مستقیم به سلطان، پوشیده دست به دزدی و غارت اموال خزانه زد و از هر ده درهمی که مالیات می‌گرفت پنج درهم آن را به سلطان می‌داد.^{۸۷} بیبهقی با تأکید و تکراری که از زبان شخصیت‌های مختلف تاریخی چون بونصر مشکان و خواجه اراهه می‌دهد و همچنین تحلیل نهایی خودش از وقایع خراسان، سوری را عامل اصلی برافتادن حکومت غزنویان و قدرت‌گیری ترکمنان می‌داند.^{۸۸} او در شرایط پیدایش بحران‌های اقتصادی، ۴ میلیون درهم از «جام و طرایف زرینه و سیمینه، غلام و کنیزک، مشک و کافور و عناب و مروارید و محفوری، قالی، کیش، اصناف و نعمت» برای مسعود آورد. گرچه بیبهقی از برخی اقدامات عام‌المنفعه سوری یاد می‌کند، اما هوشمندانه می‌گوید: «نان همسایگان دزدیدن و به همسایگان دادن در شرط نیست».^{۸۹}

بازخورد سیاست‌های مالی سوری و دیگر عمال حکومتی، ایجاد صدمات اقتصادی از جمله پیدایش قحطی بود. با ورود مسعود به توس به سال (۴۳۱ق/۱۰۴۰م)، سوری آتش در این نواحی

۸۵. جرفادقانی، ص ۱۸۶. البته خوش‌اقبالی دیگر او ناهم زمانی دوره وزارتش با هجوم ترکمنان بود.

۸۶. همان، ص ۱۹۳ - ۱۹۴.

۸۷. همان، ص ۵۳۱.

۸۸. همان، ص ۷۳۱.

۸۹. همان، ص ۵۳۱ - ۵۳۲.

زد و یک من نان به سیزده درهم رسید، اما کسی نمی‌یافت و جو به چشم کسی دیده نمی‌شد. به دستور او توس و نواحی آن را کردند و هر کس که یک من غله داشت، به علف گرفتند.^{۹۰} حاجبی که مسعود به بیهق نشاند، دست به غارت شهر زد و درختان پسته را به بهانه سرما برید و سوزاند، باقیمانده را هم سوار بر اشتران کرد و به غزنین فرستاد، از این رو رعایا او را که منبع اصلی معاش آنها را بریده بود «حاجب پاک‌روب» نامیدند.^{۹۱} این اقدامات موجب فراری شدن رعایا گردید و از میزان تولیدکنندگان شهری و روستایی کاست و قحطی پدید آورد. اخذ مالیات‌های بی‌حد و حصر، به یکی از مهم‌ترین دلایل نارضایتی مردم و توجه آنها به سوی ترکمنان تبدیل گردید. رویگردانی سالار بوژگان — که مردی از «کفاه» و «دهاه الرجال» بود — از حکومت غزنویان و همراه شدن او با سلجوقیان، به دلیل ظلمی بود که سوری در حق او روا داشته بود.^{۹۲} خطبه خواندن مردم نیشابور به نام طغرل در سال (۴۲۹ق/۱۰۳۸م) نیز ریشه در معضلات مالی داشت.^{۹۳} سلطان مسعود نیز که مستبدانه ابتکار عمل را به دست گرفته بود، به جای تلاش برای تغییر نگرش مردم نسبت به حکومت، سیاست‌های ناصواب دیگری را در پیش گرفت. مسعود در سال (۴۳۰ق/۱۰۳۹م) شهر سرخس را به دلیل عدم پرداخت مالیات ویران کرد و عده بسیاری را به قتل آورد.^{۹۴} همچنین دستور داد مردم هرات، بادغیس و گنج رستاق و دیگر نواحی را به بهانه موافقت با ترکمنان، به یک میلیون دینار جریمه کنند که به علف از مردم گرفته شد.^{۹۵}

موضوع دیگری که موجب نارضایتی مالیات‌دهندگان و ایجاد تنگناهای معیشتی در پرداخت مالیات می‌شد، بحث حشر و بیگاری بود. در این دوره بیگاری رعایا در ساختن و تعمیر و نگهداری پل‌ها، سدها، جاده‌ها، لایروبی قنات‌ها و کانال‌های آبیاری که اصولاً منفعتش به آنها می‌رسید، دیده می‌شد. اما این موضوع زمانی تبدیل به معضل جدی شد که آنها مجبور بودند، صرفاً برای برآوردن امیال سران حکومتی، تولید و امور معیشتی خود را معطل بگذارند. چنان که در ساختن کوشک مسعودی در افغان‌شال ۷ میلیون درهم هزینه شد و دو برابر این

۹۰. جرفادقانی، ص ۸۰۹ - ۸۱۳.

۹۱. ابن‌فندق، تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، مقدمه عبدالوهاب قزوینی (تهران: کتابفروشی فروغی، بی‌تا)، ص ۲۷۴؛ صدرالدین ابوالحسن حسینی، زبدة‌التواریخ، مصحح محمد نورالدین، مترجم علی نوراللهی، (تهران: انتشارات ایل شامسون، ۱۳۸۰)، ص ۴۶.

۹۲. بیهقی، همان، ص ۷۳۰.

۹۳. همان، ص ۷۲۸ - ۷۲۹.

۹۴. گردیزی، ص ۴۳۶.

۹۵. بیهقی، ص ۷۸۲.

میزان هم بر عهده تولیدکنندگان شهری و روستایی نهاده شد.^{۹۶} وقتی که تولیدکننده شهری و روستایی برای بیگاری در اختیار حکومت قرار می‌گرفت، از میزان تولید و درآمد سالانه او کاسته می‌شد. با توجه به اینکه بیگاری برای حکومت، موجب کاهش یا معافیت مالیاتی حشرکنندگان نمی‌شد، بنابراین فرد مجبور بود برای تأمین هزینه‌های خود و پرداخت مالیات به حکومت، زمان بیشتری را صرف کند. کشاورزی که باید در زمان کاشت و برداشت محصول در اراضی زراعتی خود حضور می‌داشت، در زمان بیگاری از محصولات اراضی غافل می‌شد که این می‌توانست با کاهش محصولات ضروری چون گندم و جو، اختلالاتی را در وضعیت معاش مردم فراهم ایجاد کند.

۲-۳ مصادره؛ سیاست ضد رونق اقتصادی

مصادره به معنی توان گرفتن، جریمه کردن، مؤاخذه نمودن و مطالبه کردن است.^{۹۷} مصادره که یکی از شیوه‌های متداول تنبیه متخلفان و گاه برای غصب اموال اطرافیان بود، در زمان محمود هم رواج داشت، اما آهنگ مصادرات در زمان مسعود پرشتاب‌تر شد و در ایجاد بحران اقتصادی مؤثر واقع شد. سلطان مسعود بعد از رسیدن به حکومت با آزمندی مال بیعتی را که محمد برای جلب نظامیان داده بود، پس گرفت^{۹۸} و مخالفان سیاسی خود چون حسنک وزیر، علی قریب حاجب و حتی عموی خود یوسف را مصادره و حذف کرد. در اقدام بعدی، حامیان سیاسی خود همچون غازی حاجب و ایرارق را با توطئه‌های سیاسی گروه رقیب مصادره کرد و به قتل رساند.

مصادره اقدامی بود که اصولاً به دنبال اصلاح و ایجاد مکانیسم کنترل‌کننده نبود، گاه فرد مصادره‌شده از قدرت حذف نمی‌شد، بلکه دوباره در مقامی دیگر و یا با فاصله زمانی در همان مقام مشغول به کار می‌شد و اگر پیش از این در کسب اموال خود خطایی نکرده بود، اکنون تلاش می‌کرد تا ثروت ازدست‌رفته خود و یا حتی مبالغی بالاتر از آن را به دست آورد، چنان که وقتی مسعود، ینالتکین خازن محمود را به پرداخت مالی عظیم مصادره کرد و به هندوستان فرستاد، «آن غضب‌ها و مصادره و رنج و استخفاف که به ینالتکین رسید»^{۹۹} موجبات شورش او را فراهم کرد.^{۱۰۰} احمد به

۹۶. بیهقی، ص ۶۵۱.

۹۷. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۴ (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵)، ص ۴۱۱۶.

۹۸. بیهقی، ص ۸۷۳ - ۸۷۶.

۹۹. همان، ص ۴۲۵.

۱۰۰. همان، ص ۵۱۵.

جبران اموال از دست‌رفته خود، با اختلاس بخش عظیمی از خراج مکران و با غارت بنارس، علم عصبیان برافراشت.^{۱۰۱}

مصادره می‌توانست با حذف افراد شایسته در لحظات حساس سیاسی، عوارض ناخواسته‌ای را ایجاد کند. بیهقی تفاوت عملکرد مسعود با محمود را در مصادره اطرافیان چنین بیان می‌کند: «مال‌های بزرگ امیرماضی [محمود] بمردان مرد فراز آورده است، اگر مردان را نگاه داشته نیاید مردان آیند و العیاذبالله و مال‌ها ببرند...»^{۱۰۲} اما طمع مسعود بر جریمه امیران فربه و کارگزاران حکومتی تمام‌شدنی نبود. مسعود در بحبوحه جنگ با ترکمنان در حالی که خزانه را خالی می‌دید، بر آن شد تا بخشی از چارپایان بونصرمشکان را ضبط و او را سیصد هزار دینار مصادره کند. امتناع بونصر موجب مرگ او به‌صورتی مشکوک شد و مسعود اموال و غلامانش را تصاحب کرد و خود را از وجود مشاوره‌ی کاردان، محروم نمود.^{۱۰۳}

مسعود بعد از نبرد دندانقان هم، به جای تلاش برای جبران این وهن بزرگ، امیران و سپهسالاران خود از جمله علی‌دایه را مصادره و محبوس کرد. علی‌دایه به‌صراحت اظهار داشت: «به چیزی که مراسم طمع کرده‌اند تا برداشته آید.» مسعود بعد از جنگ، بکنغدی را نیز مصادره کرد، اما در مصادره سبایشی چیزی نیافت که «در گذشته دو دفعت غارت شده بود».^{۱۰۴}

۳-۳ صدمات اقتصادی ناشی از حضور ترکمنان در خراسان

در دوره حکومت محمود، عامل ورود ترکمنان به خراسان، معضلات اقتصادی و تنگناهای معیشتی آنها در ماورالنهر بود. تداوم جریان ورود ایشان در زمان مسعود، آنها را خواهان دریافت چراخورهای بیشتری برای احشام خود نمود^{۱۰۵} و این امر مقدمه‌ای بر آغاز منازعاتشان با سلطان گردید. آنچه موجب شد تا ترکمنان در خراسان پای سخت‌کنند و از مرحله شبانی به ولایت‌گیری انتقال یابند، پیدایش بحران‌های مالی در حکومت غزنویان بود که از طرفی فشار بی‌اندازه در اخذ مالیات از اعیان و بزرگان خراسان را به دنبال داشت^{۱۰۶} و از طرفی موجب دو لشکرکشی بی‌نتیجه مسعود به سمت

۱۰۱. بیهقی، ص ۵۱۵ - ۵۱۷.

۱۰۲. همان، ص ۶۳۴.

۱۰۳. همان، ص ۷۹۱ - ۹۹.

۱۰۴. همان، ص ۸۶۳ - ۶۶.

۱۰۵. گردیزی، ص ۴۱۱ و ۴۲۱.

۱۰۶. بیهقی، ص ۵۲۱.

آمل و هندوستان گردید که حاصلی جز «خلل‌های راه یافته در خراسان» نداشت.^{۱۰۷} به‌تعمیق‌افتادن دوسالۀ مالیات آمل موجب لشکرکشی مسعود شد. در حالی که که مالیات این ولایت صد هزار درهم بود، مسعود در پی مصادره مردم آن به مبلغ یک میلیون دینار و «هزار دست جامه رومی و هزار دست قالی و محفوری و پنج هزار کیش» برآمد. لشکر او شروع به غارت و سوزاندن شهر کرد و حاصل این اقدام چیزی جز ۱۶۰ هزار دینار همراه با بدنامی بسیار برای او نبود.^{۱۰۸}

دومین لشکرکشی، با غفلت چهارماهه او از خراسان، برای فتح قلعه هانسی بود. خواجه عبدالصمد در مخالفت با لشکرکشی سلطان گفت: «اگر سلطان به خراسان نرود و ترکمان یک ناحیت بگیرند و یک ناحیت نه، اگر یک دیه بگیرند و آن کنند که عادت ایشان است از مثله کردن و کشتن و سوختن، ده غزو هانسی برابر آن نرسد»، اما سلطان پند نگرفت. ترکمان در غیاب او، ولایات را غارت کردند و بر قدرت اقتصادی خود افزودند، در حالی که این فتح جز شماری برده حاصل چندانی نداشت.^{۱۰۹}

هر قدم پسرروی مالی غزنویان با پیشروی مالی ترکمان جایگزین شد. شکست بگتغدی از ترکمان به سال (۴۲۶ ق/۱۰۳۵ م) نخستین وهن وارد بر حکومت غزنوی بود. ۱۰ میلیون دینار، آلت و نعمت و ستور و زر و سیم و سلاح و تجمل به دست ترکمان افتاد و با خوشحالی اظهار کردند «درویش بودیم، اکنون توانگر شدیم».^{۱۱۰} بعد از این شکست سلطان مجبور شد تا با واگذاری نسا، فراوه و دهستان به ترکمان، آنها را آرام کند. در دومین شکست عمده غزنویان نیز که به سپهسالاری سباشی به سال (۴۲۷ ق/۱۰۳۶ م) رقم خورد، ترکمان مالی عظیم را به‌دست آوردند^{۱۱۱} و در نبردی دیگر ۵۰۰ هزار دینار زر سرخ غارت نمودند.^{۱۱۲}

آنچه موفقیت ترکمان را در این نبردها رقم می‌زد، نوع اقتصاد معیشتی و بُنه سبکبار آنها بود که در تقابل با اقتصاد شهری و بُنه سنگین غزنویان، برگ برنده را به‌دست آنها می‌داد.^{۱۱۳} بهره

۱۰۷. بیهقی، ص ۷۲۳.

۱۰۸. همان، ص ۵۹۷ - ۶۰۰.

۱۰۹. همان، ص ۶۹۷ - ۷۰۵.

۱۱۰. همان، ص ۶۴۱ حسینی، ص ۴۲؛ محمد بن سلیمان، راوندی، *راحة الصدور و آية السرور*، تصحیح محمد اقبال (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۳)، ص ۹۵.

۱۱۱. بیهقی، ص ۷۵۵.

۱۱۲. ظهیرالدین، نیشابوری، *سلجوقنامه*، تصحیح محمد رمضانی، (تهران: انتشارات کلاله خاور، ۱۳۳۲)، ص ۵.

۱۱۳. بیهقی، ص ۷۵۵؛ ابن اثیر، همان، ص ۱۶۶ - ۱۶۷.

غزویان از شکست ترکمنان تنها کسب چارپایان و غلامان بود. از طرفی ترکمنان برای تقویت اقتصادی خود اقدام به راهزنی، ایجاد ناامنی و جلوگیری از دریافت‌های مالیاتی نمودند؛^{۱۱۴} به طوری که بونصرمشکان ناگزیر شد ده هزار گوسفند خود را درگوزگانان پیش از چپاول به دست ترکمنان، به نرخ روز بفروشد.^{۱۱۵} این اقدامات ترکمنان، قطعاً در پیدایش بحران‌های اقتصادی و بروز قحطی مؤثر بود.

ترکمنان با رهاکردن چارپایان خود در زمین‌های کشاورزی و تبدیل آنها به مراتع، ضربه مهلکی به تولیدات زراعی وارد کردند؛ در نتیجه بسیاری کشاورزان دست از کار کشیدند و متعاقباً با کم‌شدن جریان کاشت و برداشت محصول، دلیل دیگری برای پیدایش قحطی‌ها بروز کرد. بعد از تسخیر نیشابور به دست طغرل، با مرگ و میر مردم^{۱۱۶} زمین قیمت خود را از دست داد و درهم آن به دانگی شد. زمین‌های دیه محمدآباد در نزدیکی نیشابور، هر جفت‌وار زمین ساده هزار و در صورتی که با درخت بود، سه هزار درهم قیمت داشت. در سال (۴۲۶ ق / ۱۰۳۵ م) بعد از آغاز چپاول ترکمنان، قیمت آن جفت‌واری به دویست درهم رسید و بعد از نبرد دندانقان جفت‌واری را به یک من گندم می‌فروختند و کسی نمی‌خرید.^{۱۱۷} سرخس نیز که مدت‌ها در تصرف ترکمنان بود، به مصیبت چپاول ترکمنان، کشتار کشاورزان و از بین رفتن زمین‌های زراعی گرفتار شد. دشت و جبال گویی سوخته بود، هیچ گیاهی نبود و مردم گیاه پوسیده می‌جستند.^{۱۱۸} ترکمنان با پرکردن چاه‌ها برای پیروزی در نبرد نیز، ضربه نهایی را به اقتصاد کشاورزی و دامی وارد آوردند.^{۱۱۹}

۳-۴ قحطی‌ها؛ نشان آشکار ضعف اقتصادی

آشوب‌های ترکمنان و فشارهای مالیاتی، دو عامل مهم کاهش تولیدات زراعی، بالارفتن قیمت‌ها و پیدایش قحطی‌های مهلک بود که پیش از این بیان شد. در تصرف نیشابور به دست طغرل، هر من نان به ۳ درم رسید،^{۱۲۰} در حالی که در مالیات‌گیری‌های سوری در طوس، هر من نان ۱۳ درم

۱۱۴. حسینی، ص ۴۴ - ۴۵.

۱۱۵. بیهقی، ص ۵۱۳.

۱۱۶. ابن‌اثیر، ص ۱۶۶ - ۱۶۷.

۱۱۷. بیهقی، ص ۸۰۹ - ۸۱۳.

۱۱۸. همان، ص ۸۱۷.

۱۱۹. همان، ص ۸۳۴.

۱۲۰. همان، ص ۸۰۹ - ۸۱۳.

شد.^{۱۲۱} گویا مردم بینوا دو بار غارت می‌شدند، یک بار به وسیله مهاجمان و بار دیگر شدیدتر از آن به وسیله عاملان حکومتی.

قحطی‌ها علت سومی نیز داشت و آن پیدایش حوادث طبیعی چون کاهش نزولات آسمانی و خشک شدن جوی‌ها بود.^{۱۲۲} قحطی، تنگی نفقه و علوفه و لاغری ستوران، توصیفی است که بیهقی از روزهای جنگ دندانقان ارائه می‌کند. پیش از این نبرد، سپاهیان ۴ ماه بود که آرد و جو نیافته و اسب‌های ایشان از نبود جو سست شده بودند.^{۱۲۳} مسعود برخلاف سخن معروف که می‌گوید «یک لقمه نان و یک قدح نبید بی‌لشکر خویش مخور که آنچه نان پاره کند، زر و سیم نتواند کند»،^{۱۲۴} برای جلب نظر ارتش قحطی‌زده خویش، پیش از نبرد هزاران درم عطا کرد.

۳-۵ فعالیت‌های اقتصادی امیران لشکری

افزایش غنایم هندوستان و انباشت ثروت در دست نظامیان، سبب شد تا ایشان از جنگجویانی جسور به طبقه‌ای عافیت‌طلب و دنیاطلب تبدیل شوند و برای کسب منافع بیشتر به تجارت روی آورند. رؤسای لشکری چون سباشی توانستند سپاه را در مضیقه دریافت آذوقه و علوفه بگذارند و اسباب و اموال را احتکار کنند و در فرصت مناسب با چندین برابر قیمت به لشکریان بفروشند و سود کلانی ببرند. سباشی برای حرکت دادن لشکر به منطقه‌ای که می‌توانست امتعه تجاری را ارزان تهیه کند، از اشتران لشکری برای حمل کالاها و از لشکریان برای نگهداری از آن بهره می‌برد.^{۱۲۵} لشکریان، کم‌کاری خود را در جنگ طلخاب چنین توجیه می‌کردند: «عارض ما را بکشته است از بس که توفیر کرده است»؛^{۱۲۶} بنابراین سلطان، سران نظامی را عامل تنگی معاش لشکریان می‌دانست و آنها را به خیانت و دزدی متهم می‌کرد.^{۱۲۷}

شرحی که بیهقی از ریخت و پاش‌های بگتغدی در عروسی دخترش با امیرانشاه، پسر مسعود، ارائه می‌دهد، نشان از تمول مالی قابل توجه امیران دارد. شگفت‌انگیز است که این امیر نظامی

۱۲۱. بیهقی، ص، ۸۱۷.

۱۲۲. همان، ص ۸۲۷ - ۸۳۴.

۱۲۳. همان، ص ۸۳۱ - ۸۳۳.

۱۲۴. عنصرالمعالی، ص ۱۱۳ - ۱۱۴.

۱۲۵. بیهقی، ص ۸۰۷.

۱۲۶. همان، ص ۷۶۷.

۱۲۷. همان، ص ۸۱۸ - ۸۱۹.

چگونه و از چه طریقی توانسته است این همه اموال را فراهم کند. چه بسا اموال او سلطان را برای این پیوند به طمع انداخته بود. جهاز عروس ده میلیون درم بود در حالی که این هزینه کرد، تنها بخشی از دارایی‌های بگنجدی بود.^{۱۲۸} همچنین اموال اربارق، حاکم هندوستان به قدری زیاد بود که مصادره آن سه روز (!) طول کشید.^{۱۲۹}

۴- نتیجه‌گیری

گرچه گستره حکومت غزنوی محدودتر از امپراطوری سلجوقی بود، اما تعداد لشکریان آن برابر با سلجوقیان یا بیشتر از آن بود. غزنویان موجب لشکریان را نقدی پرداخت می‌کردند و به این منظور از منابع متعددی بهره می‌گرفتند. در مراحل مقدماتی آماده‌سازی سپاه و همچنین شرایط اضطراری، درآمد حاصل از مالیات، اولین منبع درآمدی حکومت بود. گرفتن خراج از حاکمان ولایات همجوار نیز در مراحل ایجاد ثبات حکومت غزنوی منبع درآمدی مناسبی بود؛ اما این درآمدها همیشگی و ثابت نبودند، بنابراین کسب غنایم از هند، به‌عنوان منبع درآمدی بی‌پایان مورد توجه قرار گرفت، که البته رونق قابل تصور را در اقتصاد غزنویان ایجاد نکرد.

هزینه‌های بالای لشکرکشی و صرف غنایم در جهت زندگی تجمل‌گرایانه، بخش هنگفتی از غنایم را می‌بلعید. ورود مسکوکات فراوان هند، افزایش نقدینگی و ایجاد تورم را در پی داشت. ورود بردگان هندی که از یک‌سو توانایی نظامی و سازگاری غلامان ترک را نداشتند، و از دیگر سو، حس جمال‌شناسی ایرانیان، این بردگان سیه‌چرده را کالای ذی‌قیمتی نمی‌دانست، کم‌فایده می‌نمود؛ فیل‌ها نیز بیش از سودآوری، برای حکومت هزینه بودند و عملاً کارایی چندانی را در امور نظامی نداشتند.

نظامیان نه تنها عاملان تولید ثروت نبودند، بلکه با دریافت غنایم، در فرایند مصرف ثروت‌های افسانه‌ای هند نقش اصلی را داشتند و توانستند قدرت مالی نامتعارفی بیابند و با سرمایه‌گذاری اموال خویش در تجارت از یک‌سو و اختلاس اموال حکومتی از دیگر سو، در ردیف اشراف قرار بگیرند؛ بنابراین در اواخر حکومت مسعود از جنگجویانی جسور و چابک به امیرانی خوشگذران و رفاه‌طلب مبدل شدند.

شکست‌های پیاپی غزنویان از ترکمنان و غارت اموال و ولایاتشان توسط ایشان، پیدایش

۱۲۸. همان، ص ۱۵۷ - ۱۵۸، ۲۹۶، ۶۹۱ - ۶۹۲، ۷۳۵، ۸۱۵

۱۲۹. همان، ۲۹۶.

بحران‌های اقتصادی را به دنبال داشت و حکومت را ناگزیر از روی آوردن به شیوه‌هایی چون مصادره و دریافت بیشتر مالیات کرد؛ اما مصادره موجب حذف کارگزاران لایق — به‌ویژه در شرایط حساس جنگ — گردید و دریافت مالیات‌های سنگین نیز رویگردانی مردم از حکومت را در پی داشت. در این میان سیاست‌های ناصواب مسعود چون لشکرکشی به آمل و هند، مجال نفوذ بیشتر ترکمنان را تا جایی فراهم کرد که بتوانند رویای حکومت‌خواهی خویش را به واقعیت تبدیل کنند و لشکر رفاه‌طلب غزنوی در روزهای سختی و عسرت جنگ دندانقان که با قحطی و خشکسالی مصیبت‌بارتر شده بود، میدان را برای حریف چابک‌تر رها کند.

کتابنامه

- ابن‌اثیر. تاریخ کامل. ج ۱۵، ۱۶ و ۱۷. ترجمه علی هاشمی. تهران: انتشارات کتب ایران. ۱۳۵۱.
- ابن‌حوقل. سفرنامه. ج اول. ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: انتشارات نشر نو. ۱۳۴۵.
- ابن‌فضلان. سفرنامه ابن‌فضلان. ترجمه ابوالفضل طباطبایی. چ دوم. تهران: انتشارات شرق. ۲۵۳۵.
- ابن‌فندق. تاریخ بیهقی. تصحیح احمد بهمنیار. مقدمه عبدالوهاب قزوینی. تهران: کتابفروشی فروغی. بی‌تا.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. مسالک و ممالک. به اهتمام ایرج افشار. چ سوم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ۱۳۶۸.
- باسورث، ادموند کلیفورد. تاریخ غزنویان. ج ۱ و ۲. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- بنداری. زبده‌النصرة و نخبه‌العصره. ترجمه محمدحسین جلیلی. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. ۲۵۳۶.
- بیهقی، ابوالفضل. تاریخ بیهقی. تصحیح علی اکبر فیاض. چ چهارم. تهران: نشر علمی. ۱۳۷۴.
- پاکتچی، احمد. «اوزان و مقادیر». دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. چ اول. تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- پرویزی، عباس. تاریخ دیالمه و غزنویان. چ دوم. تهران: انتشارات علمی. ۱۳۶۳.
- جرفادقانی، ناصح بن ظفر. تاریخ یمینی. ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۷۴.
- حسن‌زاده، اسماعیل. «ساختار و عملکرد سپاه غزنوی». پژوهشنامه علوم انسانی. ش ۵۲، زمستان ۱۳۸۵.
- حسینی، صدرالدین ابوالحسن. زبده‌التواریخ. تصحیح محمد نورالدین. مترجم علی نوراللهی. تهران: انتشارات ایل شاهسون. ۱۳۸۰.
- خواندمیر. دستورالوزرا. تصحیح سعید نفیسی. چ دوم. تهران: اقبال. ۱۳۵۵.
- راوندی، محمد بن سلیمان. راحة‌الصدور و آیه‌السرور، تصحیح محمد اقبال، انتشارات علمی، چ دوم. تهران: ۱۳۶۳.
- رضایی باغبیدی، حسن. سکه‌های سلطان محمود. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی زبان و ادبیات. زیر نظر محمد دبیر مقدم. تهران: فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی. ۱۳۹۴.
- روشن‌ضمیر، مهدی. تاریخ سیاسی و نظامی دودمان غوری. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران. ۲۵۳۷.

- سلیمی، غلامرضا. محمود غزنوی سرآغاز واپسگرایی در ایران. چ اول. تهران: نشر بلخ. ۱۳۸۳.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی. مجمع‌الانساب. میرهاشم محدث. چ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۳.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس. قابوسنامه. تصحیح غلامحسین یوسفی، چ ششم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک. زین‌الآخبار. ج ۱. تصحیح عبدالحی گردیزی. تهران: دنیای کتاب. ۱۳۶۳.
- فخرمدبر. آداب الحرب و الشجاعة. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: انتشارات اقبال. ۱۳۴۶.
- فرای. ریچارد. سامانیان، تاریخ ایران کمبریج ج ۴، (از ظهور اسلام تا برآمدن سلجوقیان). گردآورنده ر. ن. فرای. ترجمه حسن انوشه، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- فروزانی، ابوالقاسم. غزنویان از پیدایش تا فروپاشی، چ ششم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- محمدی، ذکراالله. «نقش غنایم و ثروت هند در بنیه‌های اقتصادی غزنویان». فصلنامه علمی تخصصی تاریخ محلات. سال یکم. ش چهارم. ۱۳۸۶.
- مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. چ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۱.
- مسکویه رازی، ابوعلی. تجارب‌الامم. ج ۵ و ۶. ترجمه علینقی منزوی. تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۶.
- معین، محمد. فرهنگ معین. ج ۴. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۷۵.
- ناظم، محمد. حیات و اوقات سلطان محمود. ترجمه عبدالغفور امینی. کابل: مرکز نشرات میوند - سبا کتابخانه. ۱۳۷۸.
- نظام‌الملک، حسن بن علی. سیاستنامه. به کوشش جعفر شعار. چ اول. تهران: دنیای کتاب. ۱۳۷۱.
- نرشخی، ابوبکر احمد بن جعفر. تاریخ بخارا. ترجمه ابونصر احمد القباوی. تلخیص محمد بن زمر. تصحیح مدرس رضوی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۶۳.
- نیشابوری، ظهیرالدین. سلجوقنامه، تصحیح محمد رضانی، تهران: انتشارات کلاله خاور. ۱۳۳۲.
- هینتس، والتر. اوزان و مقیاس‌ها در اسلام. ترجمه غلامرضا وره‌رام. چ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۸.

Album, S, *Checklist of Islamic Coins*, 3rd, Snta Rosa. 2011.

Broom, M, *The Handbook of Islamic Coins*, 3rd ed, Snta Rosa. 1985.

Lane Poole, R.S. *Catalogue of Oriental Coins in British Meusum* 8 vol (London, 1889-90).

Northver, J. P. et, al, *Medieval Islamic Mint Technology*, A Metallographic Study, Microsc Microsand 13. Supple .2, pp. 118-19. 2007.

Thomas, E, *On the Coins of the Kings of Ghazni*, JRAS, IX () 267-386. 1848.